

تبیین عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر)

وکیل حیدری ساربان* - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی

تأیید نهایی: ۱۳۹۳/۰۶/۰۱

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۸/۲۵

چکیده

تکامل مفهومی توسعه در قالب توسعه پایدار و فصل مشترک آن با رفاه اجتماعی، زمینه تقویت رویکرد جدیدی شده که چالش‌های فکری ویژه‌ای را به دنبال داشته است. با این حال، رفاه اجتماعی روستایی را فرایندی مستمر و پویا و پایدار می‌داند که از طریق دولت‌ها و نهادهای مدنی و سازمان‌های مسئول، به ایجاد مجموعه شرایط و کیفیت در توانمندسازی مردم روستایی منجر می‌شود تا به صورت مستمر، کیفیت زندگی را بهبود بخشد. هدف این مقاله، تبیین عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان مشکین شهر است. این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و به روش پیمایشی انجام گرفته است. برای جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه، به روستاییان ساکن در مناطق روستایی شهرستان مشکین شهر مراجعه شد که جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. تعداد کل روستاییان شهرستان مشکین شهر ۳۵۹،۹۰ نفر است. برای تعیین حجم نمونه ساکنان مناطق روستایی شهرستان مشکین شهر، از فرمول کوکران استفاده شد. در نهایت، حجم نمونه ۱۹۷ نفر تعیین شد، اما برای افزایش میزان دقت و اعتبار یافته‌ها، به ۲۰۰ نفر افزایش یافت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از مدل تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج نشان داد مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ارتقای رفاه اجتماعی ساکن در منطقه مورد مطالعه شامل شش مؤلفه توانمندسازی اقتصادی و بازتوزیع درآمد، توانمندسازی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی، توانمندسازی محیطی، نهادسازی و ارتقای پذیرش اجتماعی، توانمندسازی روان‌شناختی، تقویت مشارکت اجتماعی و ارائه خدمات ترویجی است که مقدار واریانس و واریانس تجمعی این شش عامل، ۶۸/۵ است. همچنین، یافته‌های استنباطی پژوهش نشان داد جز عامل توانمندسازی روان‌شناختی، بین عامل توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی، محیطی، نهادسازی و تقویت مشارکت اجتماعی با ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان مشکین شهر، رابطه معنادار وجود دارد. در نهایت، براساس نتایج پژوهش، پیشنهادها برای کاربردی ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: توسعه اجتماعی، توسعه روستایی، رفاه اجتماعی، شهرستان مشکین شهر، کیفیت زندگی.

مقدمه

از آنجاکه یکی از اهداف برنامه‌ریزی اجتماعی، دستیابی به رفاه اجتماعی است و ایجاد آن یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولتمردان در جهان کنونی به‌شمار می‌رود، به‌طور خلاصه می‌توان گفت رفاه علاوه‌براینکه ضرورتی انسانی به‌شمار می‌آید، عنصر مهمی در توسعه و پیشرفت یک جامعه است.

تاکنون تعاریف متعددی از رفاه اجتماعی ارائه شده است. براساس تعریف سازمان ملل، رفاه اجتماعی دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی را دربرمی‌گیرد که با نظارت و کمک دولت برای بهزیستی افراد جامعه انجام می‌شود (فیض‌زاده و مدنی، ۱۳۷۹: ۲۱۳)؛ افزون‌براین، رفاه اجتماعی، سیستمی جامع از خدمات اجتماعی، امکانات و برنامه‌های امنیت اجتماعی است که به‌منظور گسترش عدالت اجتماعی، توسعه اجتماعی و نقش اجتماعی مردم به‌کار می‌رود و به‌این‌ترتیب، موجب توسعه پایدار وضعیت بهزیستی خانواده‌ها و کل جامعه می‌شود (نوری، ۱۳۸۱: ۷۲). درنهایت، رفاه اجتماعی شامل مجموعه سازمان‌یافته‌ای از قوانین، مقررات و سیاست‌هاست که در قالب مؤسسه‌های رفاهی و نهادهای اجتماعی به‌منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی وی را فراهم آورد (تقوایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۶).

در ایران، پیشینه اقدام‌های مربوط به تأمین اجتماعی، حمایت از فقرا و افراد آسیب‌پذیر روستایی، دست‌کم به چهل سال پیش می‌رسد، اما دستاوردهای برنامه‌ها از حیث کاهش فقر و آسیب‌پذیری در نواحی روستایی کشور جالب توجه نیست (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴: ۲) و کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی مردم و مکان‌های روستایی، به عوامل زیادی از جمله اشتغال، درآمد مناسب، دسترسی به خدماتی مانند آموزش و بهداشت، سلامت، محیط طبیعی، امنیت و انجمن‌های قوی وابسته است (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷: ۴). رفاه اجتماعی روستایی نیز دربرگیرنده مجموعه‌ای از تدابیر و پشتیبانی‌های اجتماعی است که با تکیه بر مشارکت افراد روستایی و نهادهای دولتی و غیردولتی درگیر در مناطق روستایی، برای پیشبرد برنامه‌های توسعه روستایی، پاسخگویی به نیازهای ساکنان مناطق روستایی و حفظ شأن و کرامت انسانی آن‌ها صورت می‌گیرد (لی، ۲۰۰۲). پژوهش‌ها درباره تقویت رفاه اجتماعی در مناطق روستایی نشان می‌دهد عوامل مختلفی مانند عوامل اقتصادی، محیطی، اجتماعی، روان‌شناختی و نهادی، تأثیر بسزایی در ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی داشته است. هدف این مقاله، بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی است؛ بنابراین، این مطالعه به دنبال کشف آن است که آیا عوامل اقتصادی، اجتماعی، محیطی، روان‌شناختی و تقویت مشارکت اجتماعی و نهادسازی، با ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی ارتباط معنادار دارند یا خیر. در این زمینه، پس از بحث درباره مبانی نظری رفاه اجتماعی و ارائه مدل مفهومی، عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی بررسی می‌شوند.

مبانی نظری

در دنیای معاصر، یکی از ابعاد برنامه‌ریزی، کوشش در راستای نیل به ارتقای رفاه اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از موفق‌ترین دولت‌ها، دلیل موفقیت برنامه‌های خود را بهبود کیفیت زندگی و افزایش رفاه اجتماعی می‌دانند (هستون، ۲۰۰۱: ۶۷). در این زمینه، رفاه اجتماعی تعبیری است که بیشتر به یک وضعیت چندجانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معطوف است و حفظ شأن انسان‌ها و مسئولیت‌پذیری جامعه در قبال آن و ارتقای توانمندی کلیت جامعه در عرصه‌های فردی و جمعی، از اهداف اساسی آن است (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۱)؛ علاوه‌براین، هدف رفاه اجتماعی متوجه انسان‌هاست و غایت برنامه‌های رفاه اجتماعی، تأمین نیازهای مختلف انسانی و دادن آسایش، آرامش، امنیت و رضایتمندی به جامعه انسانی است؛ بنابراین، این نیازها باید شناخته و تعریف شود و برای شناخت نیازهای انسانی، ابتدا باید انسان را شناخت (زاهدی اصل، ۱۳۸۱: ۳۱). یکی از ویژگی‌های مهم رفاه اجتماعی آن است که فرد احساس سلامت، امنیت و سرزندگی بالایی دارد (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۳)؛ چراکه رفاه موجب خلق امنیت، احساس آرامش و اطمینان همه‌جانبه نسبت به حال و آینده است و علاوه‌براین، عملاً در زمره اهداف و ارزش‌های اصولی و لازمه

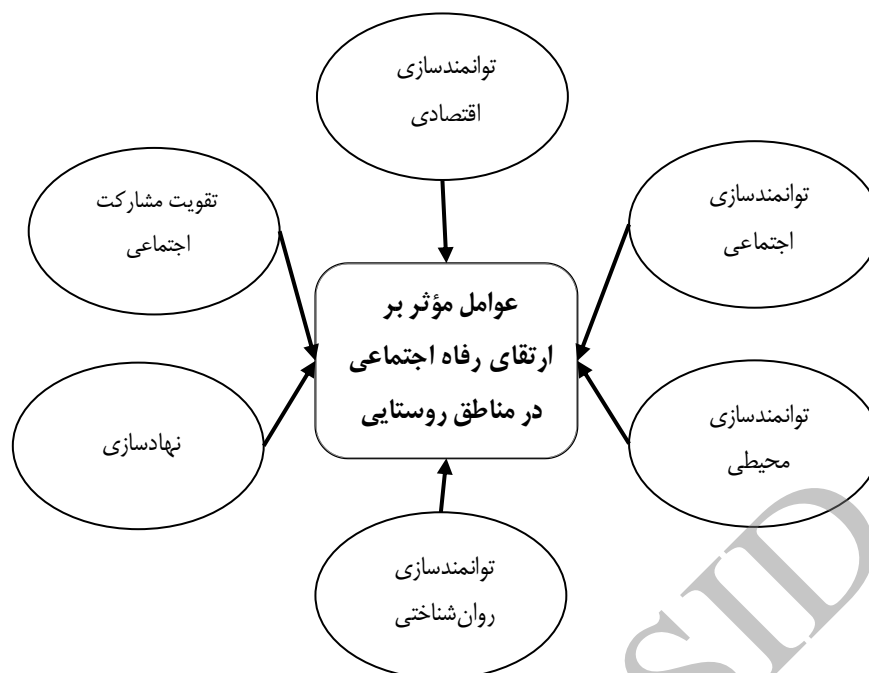
هر جامعه است (حق جو، ۱۳۸۱: ۷۷). در کل، رفاه اجتماعی به نوعی مترادف احساس سرخوشی و لذت برای مردم است که اغلب با معیارهای مادی و مالی سنجیده می‌شود (مور، ۲۰۰۲: ۳۲-۳۴). نقطه ثقل و کانون توجه رفاه اجتماعی در تمام دیدگاه‌های مکاتب مختلف از جمله دیدگاه‌های لیبرال، نئولیبرال، مارکسیسم، فمینیسم، سوسیال‌دموکراسی و راه سوم، پسا ساختارگرایی و پسامدرنیسم و... حول محور برابری، عدالت، آزادی و طبقات اجتماعی است (میگلی، ۲۰۰۰: ۳۷-۴۲). رفاه اجتماعی، مجموعه تدابیر رفاه اجتماعی را دربرمی‌گیرد که در شکل‌دهی به تعامل اجتماعی افراد، دارای نقش اساسی است. بهبود سطح روانی توده‌های اجتماع را در راستای زندگی مطلوب، می‌توان از شاخص‌های رفاه اجتماعی قلمداد کرد (استوزل، ۱۳۶۳: ۳۱۸). زمانی می‌توان با شاخص‌های رفاه اجتماعی، واقعیت‌های موجود را سنجید که این شاخص‌ها متناسب با شرایط ویژه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه باشند (مون، ۲۰۰۸: ۲۰۱۱-۲۰۱۲). سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، شاخص‌های رفاه اجتماعی را در مواردی از قبیل امنیت فردی و اجتماعی، مشارکت، فرصت‌های اجتماعی، وضعیت اقتصادی فرد، محیط فیزیکی زندگی، محیط و ارتباطات اجتماعی، خدمات بهداشتی، وضعیت اشتغال، چگونگی گذران اوقات فراغت و وضعیت آموزش و یادگیری می‌داند (کلارک و سردار، ۲۰۰۲: ۲۰۵).

چهار نظریه‌پرداز کلیدی در حوزه رفاه اجتماعی معتقدند که مفهوم رفاه اجتماعی، هم واجد معناست و هم قابل اجرا. در این زمینه، جرمی بنتام «معادله لذت» را وضع کرد و با تعریف رفاه به منزله خیر و خوشبختی، آن را مترادف با بهره‌مندی یا مطلوبیت دانست که قابل اندازه‌گیری است. پیگو معتقد بود بهزیستی را می‌توان بر مبنای معیارهای پولی اندازه‌گیری کرد؛ با این استدلال که هرچه تمایل فرد برای پرداخت بابت چیزی بیشتر باشد، آرزوی وی شدیدتر است. ویلفردو پارتو، «کارایی» مطلوب را معیاری برای رفاه اجتماعی می‌دانست؛ به نحوی که اگر جامعه بتواند دست کم وضع زندگی یکی از آحاد جامعه را بهتر کند، مشروط بر اینکه وضع هیچ‌کس دیگر بر اثر این کار بدتر نشود، آن جامعه در جریان بهبود شرایط رفاهی است. جان راولز، جامعه‌ای را که «توزیع منابع» در آن «عادلانانه» باشد، دارای وضعیت رفاهی می‌دانست. وی به‌طور کلی، به حوزه «اخلاق و عدالت» توجه نشان داد (محمدنژاد و محبوبی، ۱۳۹۱: ۲۸۳).

مفهوم رفاه اجتماعی با توجه به انتزاعی بودن آن، از جمله مفاهیم بنیادی بین‌رشته‌ای است که گزاره‌های تعریفی متنوعی دارد (رکن‌الدین افتخاری و توکلی، ۱۳۸۲: ۶۲). در زمینه ارتباط توسعه با جامعه روستایی می‌توان گفت توسعه روستایی، نگرشی همه‌جانبه دارد و فرایند افزایش انتخاب‌های مردم، گسترش دموکراتیک و تواناسازی مردم به‌منظور تصمیم‌گیری برای شکل‌دهی به فضای زیست، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه، تواناسازی زنان، فقرا و دهقانان مستقل و آزاد برای سازماندهی فضای زندگی خویش و همچنین تواناسازی برای انجام کار گروهی است (رکن‌الدین افتخاری و سجاسی قیداری، ۱۳۸۹: ۹-۱۰). در بستر تفکرهای مربوط به توسعه، رفاه اجتماعی عصاره آن تلقی می‌شود (رکن‌الدین افتخاری و توکلی، ۱۳۸۲: ۶۲). توسعه روستایی با تأکید بر الگوی توسعه پایدار درصدد است تا به‌طور همزمان به موضوع‌هایی مانند محیط‌زیست، زندگی، رفاه و بهزیستی انسان روستایی در تعامل با انسان، انسان با مصنوعاتش و انسان با محیطش توجه کند و پاسخی مناسب به فعالیت‌های اقتصادی و پیوند آن با رفاه اجتماعی ارائه دهد (پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهد بخش مهمی از فقر نسبی حاصل از تغییرهای اجتماعی در کشور، نصیب روستاییان و اقشار کم‌درآمد می‌شود (عنبیری، ۱۳۸۹: ۱۵۱). بررسی‌ها نشان می‌دهد اگر جوامع روستایی در زندگی خود، رفاه کافی نداشته باشند، رفاه اجتماعی روستاییان کم باشد و حیات مطلوب اجتماعی‌شان تحقق نیافته باشد، ممکن است علاقه و تعلق به اجتماع روستایی و مشارکت در اجتماع کاهش یابد یا زندگی با کیفیت و رضایت اندکی ادامه یابد (برگن، ۲۰۰۰: ۱۷۶). در این زمینه باید گفت رفاه اجتماعی روستایی، دو بعد مادی و معنوی را به‌همراه دارد که در مفهوم مادی به نیازهای اساسی و نیازهای فیزیولوژیکی روستاییان از جمله بهداشت، مسکن و شغل و... پرداخته می‌شود و در مفهوم معنوی برای مبارزه با بی‌سوادی و فقر فرهنگی، پشتیبانی‌های لازم را از جوامع روستایی برای برخورداری آنان از حقوق انسانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در سرلوحه اقدام‌هایش قرار می‌دهد (رزمی و اسمیت، ۲۰۰۷: ۳۶۷-۳۷۰). این مفاهیم، پیش‌فرض‌های توسعه پایدار روستایی را به ذهن متبادر می‌کند که بدون عملی شدن آن‌ها، مفهوم توسعه پایدار روستایی از افتراق، تغایر، تمایز و تهدید مبرا نخواهد بود. این

وابستگی ساختاری نشان می‌دهد توسعه پایدار روستایی در قلمرو مضامین اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی، زمانی نهایت اثربخشی و کارآمدی خود را نشان می‌دهد که رفاه و تأمین اجتماعی و به‌ویژه رفاه شهروندی روستایی را در خود پرورش و تکامل دهد. تراوش اندیشه توسعه در حوزه برنامه‌ریزی روستایی، به تحول اساسی در این عرصه منجر شده است.

تکامل مفهومی توسعه در قالب توسعه پایدار و فصل مشترک آن با رفاه اجتماعی، زمینه تقویت رویکرد جدیدی شده است که چالش‌های فکری ویژه‌ای را به‌دنبال داشته است. با این حال، رفاه اجتماعی روستایی را فرایندی مستمر و پویا و پایدار می‌دانند که از طریق دولت‌ها و نهادهای مدنی و سازمان‌های مسئول، به ایجاد مجموعه شرایط و کیفیت در توانمندسازی مردم روستایی منجر می‌شود تا به‌صورت مستمر، کیفیت زندگی را بهبود بخشد (رکن‌الدین افتخاری و توکلی، ۱۳۸۲: ۶۶). شورتال، رفاه اجتماعی روستایی را ناشی از ایجاد درآمد، تهیه مسکن، ایجاد اشتغال، خوب بودن و خوب عمل کردن و رهایی و مقایسه‌های نسبی می‌داند (شورتال، ۲۰۰۸: ۴۵۲۰-۴۵۲۲). در ادبیات رفاه اجتماعی، جوامع روستایی از منظر بروز بعضی تغییرها از جمله تغییرهای ساختاری، دگرگونی در استاندارد زندگی، ایجاد تغییر در شادکامی و رضایت از زندگی توصیف شده است (هیگر و ورنرز، ۲۰۰۰: ۴۸۱-۴۸۳). در نهایت، پژوهش‌های متعددی در جهان و ایران در مورد عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی صورت گرفته است که در زیر به چند مورد آن‌ها اشاره می‌شود. براساس نتایج پژوهش رستمعلی‌زاده و سلیمانی (۱۳۹۰) با عنوان «زندگی مطلوب روستایی با تأکید بر بهزیستی اجتماع روستایی»، میزان بهزیستی در جامعه روستایی ایران، کمتر از جامعه شهری است. این موضوع از عواملی است که موجب می‌شود مناطق روستایی، جذابیت‌های لازم را برای افراد نداشته باشند و خطری برای پایداری و ماندگاری زندگی روستایی در ایران به‌شمار می‌رود. براساس نتایج پژوهش زاهدی (۱۳۸۴) با عنوان «توان پس‌انداز خانوارهای روستایی و آثار آن بر مشارکت روستاییان در فرایند توسعه»، توان پس‌انداز بیش از ۵۹ درصد خانوارهای روستایی، منفی است. منفی بودن پس‌انداز، بیانگر نبود تعادل میان هزینه و درآمد در سطح متوسط در روستاها یا برتری هزینه‌های خانوار بر میزان درآمد آن است. پورطاهری و دیگران (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «نقش دانش حقوقی در رفاه اجتماعی روستاییان» به این نتیجه رسیدند که ارتباط معناداری بین دانش حقوقی و رفاه اجتماعی روستایی وجود دارد. به باور رافائل (۲۰۰۱)، بین تقویت زیرساخت اقتصادی از منظر دسترسی به سرمایه و منابع، تقویت کارآفرینی، افزایش درآمدهای فردی و عمومی روستاییان و استفاده از نهاده‌های نوین کشاورزی با ارتقای رفاه اجتماعی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش‌های احمدوند و دیگران (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی تأثیر رفاه و سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی شهرستان بویراحمد» نشان می‌دهد بین کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی، رابطه معناداری وجود ندارد؛ حال آنکه کیفیت زندگی، رابطه معناداری با رفاه اجتماعی دارد. اشمیت (۲۰۰۷)، رفاه اجتماعی را در مناطق روستایی، تابعی از کیفیت منابع طبیعی پایه از جمله آب و خاک، میزان درآمد ناخالص و دسترسی به اعتبارات می‌داند. به‌زعم پورترس (۲۰۰۱)، تقویت خودمختاری، مسئولیت‌پذیری و ارائه خدمات ترویجی، از عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی روستاییان به‌شمار می‌روند. مطالعه‌های اوربل و داووز (۲۰۰۵) نشان داد با تقویت انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و ارتباط‌های اجتماعی، میزان آگاهی روستاییان افزایش می‌یابد و زمینه ارتقای رفاه اجتماعی فراهم می‌شود. به اعتقاد وی (۲۰۰۸)، با تقویت زیرساخت روان‌شناختی از طریق تقویت خلاقیت و ابتکار، بهبود انگیزش، خودمختاری، اعتماد به نفس و رضایتمندی اجتماعی، میزان رفاه اجتماعی روستاییان افزایش می‌یابد. نتایج یافته‌های کلارک و اسلام (۲۰۰۹) نشان می‌دهد هر قدر زیرساخت‌های اجتماعی از جمله ادغام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، مقبولیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، تعلق اجتماعی و ارتباطات اجتماعی ارتقا یابد، به همان میزان شاخص‌های رفاه اجتماعی بهبود می‌یابد. به باور گریگ (۲۰۰۶)، بهبود زیرساخت‌های فیزیکی، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، خدمات اجتماعی، دسترسی به سرمایه و منابع و تقویت کانال‌ها و منابع اطلاعاتی با ارتقای رفاه اجتماعی رابطه مستقیم و معنادار دارد. در نهایت، چارچوب نظری پژوهش در شکل ۱ نشان داده می‌شود.



شکل ۱. چارچوب نظری پژوهش

روش پژوهش

هدف کلی این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان مشکین‌شهر است. این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است که به روش پیمایشی انجام گرفته است. برای جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه، به روستاییان ساکن در مناطق روستایی شهرستان مشکین‌شهر مراجعه شد که جامعه آماری تحقیق به‌شمار می‌روند. جمعیت کل روستاییان شهرستان مشکین‌شهر ۹۰،۳۵۹ نفر برآورد شد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل ساکنان مناطق روستایی شهرستان مشکین‌شهر است ($N=90,359$) که از این میان، ۱۹۷ نفر با استفاده از فرمول کوکران به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند، اما برای افزایش میزان اعتبار و دقت یافته‌ها، حجم نمونه به ۲۰۰ نفر افزایش یافت. از آنجاکه نوع روستاها از لحاظ اوضاع طبیعی منطقه، در سه دسته کلی روستاهای جلگه‌ای، روستاهای کوهستانی، روستاهای جلگه‌ای-کوهستانی قرار می‌گیرد، در بررسی‌ها مشخص شد در سطح شهرستان مشکین‌شهر در مجموع ۸۱ روستای جلگه‌ای، ۱۴۴ روستای کوهستانی و ۱۰۴ روستای جلگه‌ای-کوهستانی وجود دارد. براساس شاخص وضعیت ارتفاعی، نه روستا از نوع کوهستانی (۴۵ درصد)، پنج روستا از نوع جلگه‌ای (۲۵ درصد) و شش روستا از نوع جلگه‌ای-کوهستانی (۳۰ درصد) به‌شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در این مطالعه، پرسشنامه است. روایی صورتی پرسشنامه از سوی پانل متخصصان تأیید شد. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری، با ۳۰ پرسشنامه صورت گرفت و با داده‌های کسب‌شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم‌افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسشنامه تحقیق ۰/۷۲ تا ۰/۸۴ به‌دست آمد. در این نوشتار، متغیر وابسته روستاییان در ۲۷ گویه به‌شیوه خودسنجی با طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (بسیار کم= ۰، کم= ۱، متوسط= ۲، زیاد= ۳ و بسیار زیاد= ۴) اندازه‌گیری شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. در بخش آمار توصیفی، با استفاده از آماره‌هایی مانند فراوانی، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات، به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته شد. در بخش استنباطی، مهم‌ترین روش آماری به‌کاررفته در این پژوهش، تحلیل عاملی است و در محاسبه همبستگی فرضیه‌های تحقیق، از آزمون آماری کای اسکویر و مدل تحلیل مسیر بهره‌گرفته شده است.

الف) نتایج توصیفی

اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی روستاییان

به‌منظور تعیین مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی روستاییان از دیدگاه خودشان، میانگین رتبه‌ای نظر آن‌ها محاسبه و اولویت‌بندی شد. اولویت‌بندی، از طریق ضریب تغییرات (CV) صورت گرفت که شاخصی نسبی است و امکان مقایسه متغیرهای مختلف را فراهم می‌آورد. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، توانمندسازی اجتماعی، افزایش درآمدهای فردی و عمومی روستاییان، تقویت کارآفرینی و بهبود زیرساخت‌های فیزیکی، از مهم‌ترین عوامل اولویت‌بندی شده‌اند.

جدول ۱. اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در منطقه مورد مطالعه

نمره	گویه	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
۱	توانمندسازی اجتماعی	۴/۵۶	۰/۹۲	۳۹/۵	۱
۲	افزایش درآمدهای فردی و عمومی روستاییان	۴/۴۸	۰/۸۵	۳۹/۴	۲
۳	تقویت کارآفرینی	۴/۳۸	۰/۶۵	۳۸/۵	۳
۴	بهبود زیرساخت‌های فیزیکی	۴/۲۵	۰/۹۵	۳۸/۴	۴
۵	ارائه خدمات اقتصاد محلی	۴/۲۳	۰/۹۴	۳۸/۵	۵
۶	افزایش تولیدات کشاورزی	۴/۱۹	۱/۰۷	۳۸/۱	۶
۷	تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی	۴/۱۵	۰/۷۸	۳۷/۹	۷
۸	دسترسی به خدمات اجتماعی	۴/۱۳	۰/۳۷	۳۷/۸	۸
۹	بازتوزیع درآمد و اشتغال	۴/۱۰	۱/۱۲	۳۷/۷	۹
۱۰	ارتقای امنیت اجتماعی	۴/۹	۰/۸۹	۳۷/۶	۱۰
۱۱	توانمندسازی اقتصادی	۴/۵	۰/۹۹	۳۷/۵	۱۱
۱۲	ارائه خدمات ترویجی	۴/۱	۰/۵۷	۳۷/۴	۱۲
۱۳	فاصله تا نزدیک‌ترین شهر	۳/۹۵	۰/۶۷	۳۷/۲	۱۳
۱۴	وضعیت تحصیلات	۳/۸۵	۱/۰۱	۳۸/۵	۱۴
۱۵	تقویت اعتماد اجتماعی - نهادی	۳/۷۹	۰/۹۷	۳۸/۶	۱۵
۱۶	کیفیت منابع آب و خاک	۳/۶۵	۰/۹۸	۳۶/۶	۱۶
۱۷	پذیرش اجتماعی	۳/۵۹	۱/۱۵	۳۶/۴	۱۷
۱۸	مشارکت اجتماعی	۳/۴۹	۰/۶۸	۳۶/۲	۱۸
۱۹	شکوفایی اجتماعی	۳/۴۵	۰/۶۸	۳۵/۹	۱۹
۲۰	میزان درآمد ناخالص و دسترسی به اعتبارات	۳/۴۱	۱/۸۵	۳۵/۵	۲۰
۲۱	بهبود اجتماعی	۳/۳۵	۰/۴۵	۳۴	۲۱
۲۲	تقویت زیرساخت اقتصادی	۳/۲۹	۰/۶۴	۳۳	۲۲
۲۳	تجمیع روستاهای پراکنده	۳/۲۵	۰/۷۳	۳۳/۷	۲۳
۲۴	مبادله اطلاعات و دانش	۳/۱۹	۰/۱۹	۴۰/۵	۲۴
۲۵	تقویت تشکل‌های مردمی	۳/۱۲	۰/۹۸	۳۹/۶	۲۵
۲۶	تقویت تعامل‌های اجتماعی	۳/۱۱	۰/۴۶	۵۰/۲	۲۶
۲۷	تعاون اجتماعی	۳/۵	۱/۱۲	۴۹	۲۷
۲۸	ادغام اجتماعی	۳/۰۲	۰/۷۶	۵۰/۵	۲۸
۲۹	وضعیت امکانات زندگی در روستا	۲/۹۸	۰/۹۰	۴۵/۶	۲۹
۳۰	تقویت توانمندسازی روان‌شناختی	۲/۹۵	۰/۷۳	۴۶/۷	۳۰

ادامهٔ جدول ۱. اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در منطقهٔ مورد مطالعه

نمره	گویه	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
۳۱	منزلت اجتماعی	۲/۸۵	۰/۹۰	۴۶/۸	۳۱
۳۲	وضعیت امنیت غذایی	۲/۷۸	۰/۸۴	۴۵/۹	۳۲
۳۳	بهبود امید به آینده	۲/۶۵	۰/۸۴	۳۳/۵	۳۳
۳۴	خودمختاری	۲/۵۹	۰/۹۱	۳۲	۳۴
۳۵	مسئولیت‌پذیری	۲/۵۴	۰/۸۲	۳۲/۹	۳۵
۳۶	داشتن خلاقیت	۲/۴۲	۱/۰۱	۳۲/۷	۳۶
۳۷	بهبود انگیزش	۲/۳۲	۱/۰۵	۳۲/۵	۳۷
۳۸	وضعیت سلامت روانی	۲/۱۲	۰/۳۹	۳۲/۲	۳۸
۳۹	انطباق اجتماعی	۲/۹	۰/۶۵	۳۲/۱	۳۹
۴۰	وضعیت‌های مهارت‌های فنی و مدیریتی	۲/۸	۱/۳۶	۳۱	۴۰
۴۱	کیفیت منابع آب کشاورزی	۲/۸	۰/۶۴	۳۱	۴۱
۴۲	همبستگی اجتماعی	۲/۸	۰/۷۵	۲۹/۹	۴۲
۴۳	ارتباط‌های اجتماعی	۱/۱۸	۰/۹۵	۲۹/۵	۴۳
۴۴	تعلق اجتماعی	۱/۱۲	۰/۷۳	۲۸/۶	۴۴

منبع: نگارنده

ب) نتایج استنباطی

برای تعیین مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی روستاییان شهرستان مشکین‌شهر، از تحلیل عاملی استفاده شد. براساس محاسبه‌ها در جدول ۲، برای تعیین انسجام درونی داده‌ها و بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی، از آزمون KMO^1 و بارتلت^۲ استفاده شد. در این بخش، مقدار KMO ، $0/92$ و نیز آمارهٔ بارتلت برای ارتقای رفاه اجتماعی روستاییان منطقهٔ مورد مطالعه نیز $1/176$ به‌دست آمد که در سطح $0/000$ معنی‌دار است؛ بنابراین، داده‌های موجود برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شدند.

جدول ۲. مقدار KMO و آزمون بارتلت

Sig	Bartlet Test	تحلیل عاملی KMO
۰/۰۰۰	۱/۱۹۲	عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی روستاییان $0/97$

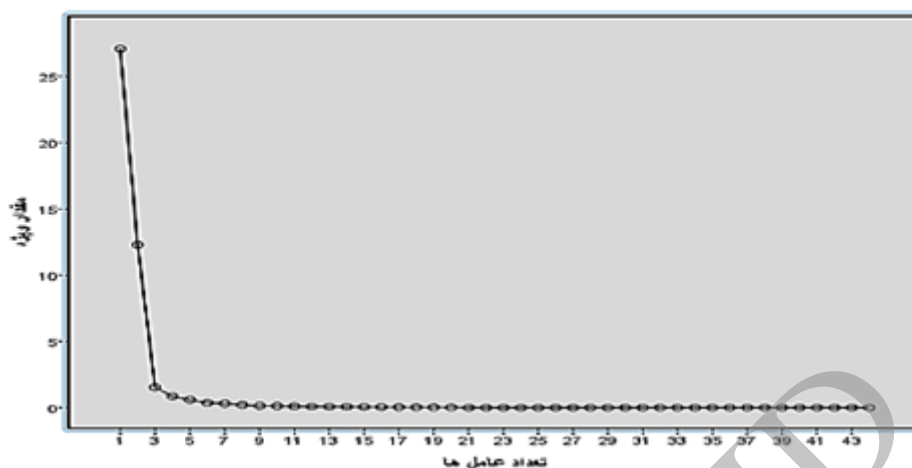
منبع: نگارنده

سپس، همان‌طور که شکل ۲ نشان می‌دهد، برای تعیین عوامل از نمودار سنگریزه‌ای مقدار ویژه و درصد واریانس استفاده شد. براین‌اساس، شش عامل شناسایی شدند که در مجموع، $68/5$ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند.

1. Kaiser-Meyser-Oklın

2. Bartlet Test

نمودار سنگریزه‌ای



شکل ۲. نمودار سنگریزه‌ای برای تعیین تعداد عامل‌ها

همچنین، همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، در این پژوهش با توجه به ملاک کیسر، شش عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک، برای عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان مشکین‌شهر استخراج شد. پس از چرخش عاملی، به‌روش واریماکس، متغیرهای مربوط به عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی روستاییان در شش عامل طبقه‌بندی شدند.

جدول ۳. عوامل استخراج‌شده با مقادیر ویژه و درصد واریانس قبل از چرخش

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
عامل اول	۱۵/۸۳	۳۵/۹۷	۳۵/۹۷
عامل دوم	۳/۸۷	۸/۷۹	۴۴/۷۷
عامل سوم	۳/۴۳	۷/۵۹	۵۲/۳۷
عامل چهارم	۲/۹۷	۶/۷۵	۵۹/۱۳
عامل پنجم	۲/۱۹	۴/۹۸	۶۴/۱۱
عامل ششم	۱/۹۳	۴/۳۸	۶۸/۵

منبع: نگارنده

چرخش عامل‌ها و نامگذاری آن‌ها (تحلیل عاملی عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی روستاییان در منطقه مورد مطالعه)

همان‌طور که گفته شد، در این پژوهش برای تسهیل تفسیر عامل‌ها و ساده‌کردن ساختار آن‌ها، از چرخش عاملی از نوع واریماکس استفاده شد. جدول ۴، شش عامل استخراج‌شده همراه با مقادیر ویژه و درصد واریانس را بعد از چرخش نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، عامل اول بیشترین سهم (۱۴/۴۶ درصد) و عامل ششم کمترین سهم (۹/۳۹) را در تبیین واریانس کل متغیرها دارند.

جدول ۴. عوامل استخراج‌شده با مقادیر ویژه و درصد واریانس پس از چرخش

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
عامل اول	۶/۳۴	۱۴/۴۶	۱۴/۴۶
عامل دوم	۵/۵۹	۱۲/۷۱	۲۷/۱۷
عامل سوم	۵/۳۹	۱۲/۲۶	۳۹/۴۴
عامل چهارم	۴/۳۸	۹/۹۷	۴۹/۴۱
عامل پنجم	۴/۲۶	۹/۶۸	۵۹/۱
عامل ششم	۴/۱۳	۹/۳۹	۶۸/۵

منبع: نگارنده

همچنین برای تعیین سطح معناداری و بیان نقش هر متغیر در عامل مربوط، در پژوهش حاضر متغیرهایی مدنظر قرار گرفتند که بار عاملی بیش از ۰/۴ داشتند. نتایج نشان می‌دهد تمام متغیرهای واردشده، دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۴ هستند. درنهایت، براساس نتایج جدول ۵، متغیرهایی که در هر یک از چهار عامل مذکور قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از:

عامل اول: متغیر افزایش درآمد فردی و عمومی، تقویت کارآفرینی، بهبود زیرساخت‌های فیزیکی، ارائه خدمات محلی، افزایش بهره‌وری کشاورزی، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، توانمندسازی اقتصادی، بازتوزیع درآمد و اشتغال، تقویت زیرساخت اقتصادی، تجمیع روستاهای پراکنده و خودمختاری در این عامل قرار دارند. بار عاملی این متغیرها نشان می‌دهد تمام آن‌ها با این عامل همبستگی مثبت و بالایی دارند که با توجه به متغیرهای این عامل، عنوان «توانمندسازی اقتصادی و بازتوزیع درآمد و اشتغال» برای آن برگزیده شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه آن (۱۱/۶۷) که از تمام عامل‌های دیگر بیشتر است، بیش از ۳۴/۲۵ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند.

عامل دوم: متغیرها در این عامل، شامل توانمندسازی اجتماعی، ارتقای امنیت اجتماعی، تقویت تعامل‌های اجتماعی، تعاون اجتماعی، ادغام اجتماعی، همبستگی اجتماعی و ارتباط‌های اجتماعی هستند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بار عاملی این متغیرها بین ۰/۸۴ تا ۰/۹۵ متنوع است و تمام متغیرها با عامل دوم همبستگی مثبت دارند. با توجه به ماهیت متغیرهای تشکیل‌دهنده، عنوان «توانمندسازی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی» برای این عامل انتخاب شد که با مقدار ویژه ۵/۵۹، در مجموع ۱۲/۷۱ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

عامل سوم: متغیرهای دسترسی به خدمات اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، توانمندسازی روان‌شناختی، منزلت اجتماعی، داشتن خلاقیت، بهبود انگیزش و مسئولیت‌پذیری در این عامل جای می‌گیرند. با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار، عامل سوم، «تقویت انگیزش و تجاری‌سازی کشاورزی» نامیده می‌شود که با مقدار ویژه ۵/۳۹، در مجموع ۱۲/۲۶ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

عامل چهارم: متغیرهایی که در این عامل قرار می‌گیرند، شامل کیفیت منابع آب آشامیدنی، وضعیت امکانات زندگی در روستا، بعد فاصله تا نزدیک‌ترین شهر، کیفیت منابع آب و خاک و تعلق اجتماعی است که براساس آن‌ها، عنوان «توانمندسازی محیطی» برای این عامل برگزیده شد که با مقدار ویژه ۴/۳۸، در مجموع ۹/۹۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

عامل پنجم: متغیرهایی که در این عامل قرار می‌گیرند، شامل انطباق اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تقویت اجتماعی - نهادی، ارائه خدمات ترویجی، میزان درآمد ناخالص و دسترسی به اعتبارات و وضعیت سلامت روانی است. براساس این متغیرها، عنوان «تقویت مشارکت اجتماعی و ارائه خدمات ترویجی» برای این عامل برگزیده شد بدین ترتیب، این عامل با مقدار ویژه ۴/۲۶، در مجموع ۹/۶۸ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

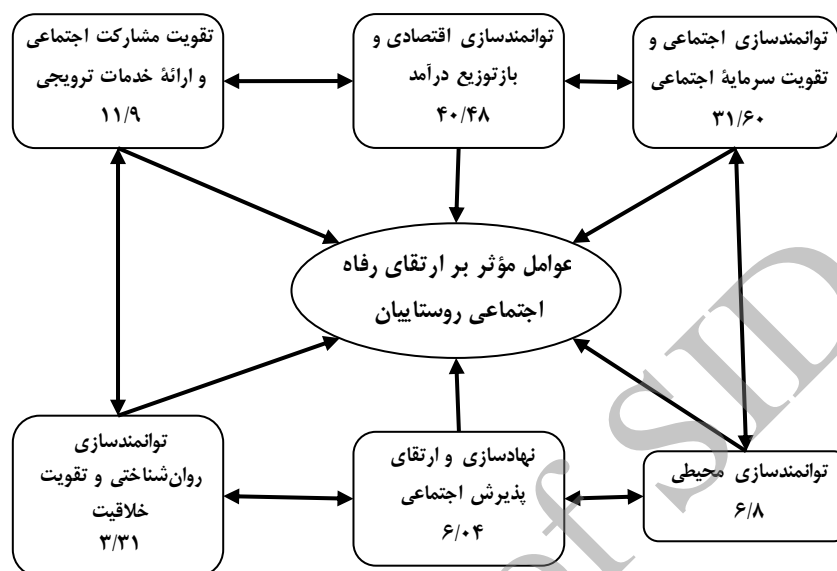
عامل ششم: متغیرهای این عامل، شامل مبادله اطلاعات و دانش، تقویت تشکلهای مردمی، وضعیت امنیت غذایی، امید به آینده، وضعیت تحصیلات و پذیرش اجتماعی است. براساس این متغیرها، عنوان «نهادسازی و ارتقای پذیرش اجتماعی» برای این عامل برگزیده شد. بدین ترتیب، این عامل با مقدار ویژه ۴/۱۳، در مجموع ۹/۳۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

جدول ۵. متغیرهای مربوط به هریک از عوامل و بار عاملی به دست آمده از ماتریس دوران یافته

بار عاملی	متغیرها	نام عامل
۰/۷۶	افزایش درآمدهای فردی و عمومی روستاییان	توانمندسازی اقتصادی و بازتوزیع درآمد و اشتغال
۰/۳۷	تقویت کارآفرینی	
۰/۸۲	بهبود زیرساخت‌های فیزیکی	
۰/۷۴	ارائه خدمات اقتصاد محلی	
۰/۴۴	افزایش بهره‌وری کشاورزی	
۰/۷۳	تنوع بخشی به فعالیت‌های اقتصادی	
۰/۷۶	توانمندسازی اقتصادی	
۰/۶۵	بازتوزیع درآمد و اشتغال	
۰/۸۰	تقویت زیرساخت اقتصادی	
۰/۸۸	تجمع روستاهای پراکنده	
۰/۸۵	خودمختاری	
۰/۸۲	توانمندسازی اجتماعی	توانمندسازی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی
۰/۸۰	ارتقای امنیت اجتماعی	
۰/۸۴	تقویت تعاملات اجتماعی	
۰/۶۴	تعاون اجتماعی	
۰/۲۹	ادغام اجتماعی	
۰/۲۶	همبستگی اجتماعی	
۰/۷۱	ارتباط‌های اجتماعی	
۰/۵۰	دسترسی به خدمات اجتماعی	
۰/۴۷	شکوفایی اجتماعی	توانمندسازی روان شناختی و تقویت خلاقیت
۰/۷۹	توانمندسازی روان شناختی	
۰/۶۰	منزلت اجتماعی	
۰/۵۳	داشتن خلاقیت	
۰/۸۱	بهبود انگیزش	
۰/۶۵	مسئولیت پذیری	
۰/۷۰	کیفیت منابع آب کشاورزی	
۰/۵۹	وضعیت امکانات زندگی در روستا	
۰/۶۵	کیفیت منابع آب و خاک	
۰/۸۵	فاصله تا نزدیک‌ترین شهر	
۰/۸۰	تعلق اجتماعی	
۰/۶۲	انطباق اجتماعی	تقویت مشارکت اجتماعی و ارائه خدمات ترویجی
۰/۷۰	مشارکت اجتماعی	
۰/۴۹	تقویت اعتماد اجتماعی - نهادی	
۰/۴۹	ارائه خدمات ترویجی	
۰/۵۲	میزان درآمد ناخالص و دسترسی به اعتبارات	
۰/۷۹	وضعیت سلامت روانی	
۰/۷۷	مبادله اطلاعات و دانش	نهادسازی و ارتقای پذیرش اجتماعی
۰/۷۰	تقویت تشکل‌های مردمی	
۰/۶۲	وضعیت امنیت غذایی	
۰/۶۴	امید به آینده	
۰/۶۵	وضعیت تحصیلات	
۰/۷۵	پذیرش اجتماعی	

منبع: نگارنده

درنهایت، با توجه به نتایج بالا، عوامل موجود در رفاه اجتماعی در مناطق روستایی در شکل ۳ نشان داده می‌شود که براساس آن، ارتقای رفاه اجتماعی روستاییان منطقه مورد مطالعه، با توانمندسازی اقتصادی و بازتوزیع درآمد، توانمندسازی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی، توانمندسازی روان‌شناختی و تقویت خلاقیت، توانمندسازی محیطی، تقویت مشارکت اجتماعی، ارائه خدمات ترویجی، نهادسازی و ارتقای پذیرش اجتماعی ارتباط دارد.



شکل ۳. مدل پژوهش: عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی روستاییان و درصد تبیین هر یک از آن‌ها

تبیین رابطه میان مؤلفه‌های مؤثر در ارتقای رفاه اجتماعی

همان‌طور که در جدول ۶ دیده می‌شود، نتایج آزمون کای اسکویر در زمینه ویژگی‌های مختلف پاسخگویان از منظر عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی روستاییان نشان می‌دهد با توجه به اینکه سطح معناداری χ^2 دو در تمام عامل‌ها به جز توانمندسازی روان‌شناختی، کمتر از ۰/۰۵ است، فرض H_1 تأیید می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت عامل توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی، محیطی، نهادسازی و تقویت مشارکت اجتماعی با ارتقای رفاه اجتماعی روستاییان رابطه معنادار دارد.

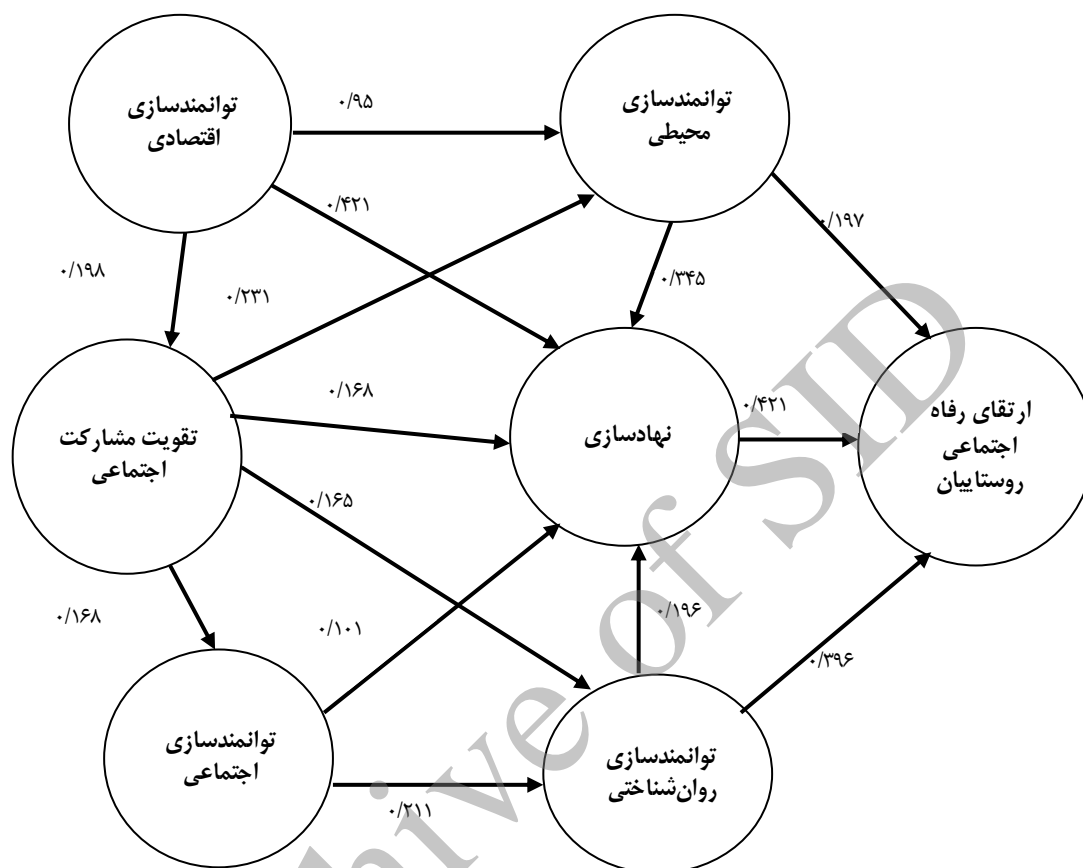
جدول ۶. نتایج آزمون کای اسکویر برای تعیین رابطه میان مؤلفه‌های مؤثر در ارتقای رفاه اجتماعی روستاییان

ویژگی‌ها	کای اسکویر	وی کرامرز	سطح معناداری
توانمندسازی اقتصادی و بازتوزیع درآمد	۲/۱۴	۰/۸۰۰	۰/۰۰۹
توانمندسازی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی	۲/۸۳	۰/۸۵۱	۰/۰۰۴
توانمندسازی محیطی	۲/۴۵	۰/۸۵۵	۰/۰۰۶
نهادسازی و ارتقای پذیرش اجتماعی	۲/۷۲	۰/۸۶۵	۰/۰۰۲
توانمندسازی روان‌شناختی و تقویت خلاقیت	۲/۹۸	۰/۸۱۶	۰/۱۳۲
تقویت مشارکت اجتماعی و ارائه خدمات ترویجی	۱/۴۲	۰/۴۷۲	۰/۰۰۰

منبع: نگارنده

برای آزمون فرضیه پژوهش، علاوه بر آزمون کای اسکویر، از مدل تحلیل مسیر استفاده شد. در این مرحله، به صورت یک‌جا، مسیر مؤلفه‌های اصلی توسعه اجتماعی مؤثر بر ارتقای شاخص‌های اقتصادی در مناطق روستایی تحلیل شد. براساس نتایج تحلیل مسیر، کیفیت زندگی، رضایت از زندگی و انسجام اجتماعی، بر متغیر وابسته تأثیر مستقیم دارند و

متغیرهای توانمندسازی اجتماعی، توانمندسازی اقتصادی و تقویت مشارکت اجتماعی، علاوه بر آثار مستقیم بر ارتقای رفاه اجتماعی روستاییان در مناطق روستایی، با تأثیر گذاری بر سه مؤلفه دیگر، آثار غیرمستقیمی نیز در این زمینه داشته‌اند که باید به آن توجه کرد. ضرایب به‌دست‌آمده برای تمام مسیرها، در نمودار ۱ مشاهده می‌شود.



نمودار ۱. نمودار نهایی تحلیل مسیر با استفاده از ضرایب همبستگی
منبع: نگارنده

بحث و یافته‌ها

رفاه اجتماعی مردم و مکان‌های روستایی، به عوامل زیادی از جمله اشتغال، درآمد مناسب، دسترسی به خدماتی مانند آموزش و بهداشت، سلامت، محیطی-طبیعی، امنیت و انجمن‌های قوی وابسته است. رفاه اجتماعی روستایی، دربرگیرنده مجموعه‌ای از تدابیر و پشتیبانی‌های اجتماعی است که با تکیه بر مشارکت روستاییان و نهادهای دولتی و غیردولتی درگیر در مناطق روستایی، برای پیشبرد برنامه‌های توسعه روستایی و پاسخ به نیازهای ساکنان مناطق روستایی و حفظ شأن و کرامت انسانی آن‌ها صورت می‌گیرد. در این مقاله، عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان مشکین‌شهر تعیین شدند. بدین منظور، ۴۴ شاخص به‌کار گرفته شد. داده‌ها با استفاده از مدل تحلیل عاملی تجزیه و تحلیل شدند و با توجه به ملاک کیسر، شش عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک برای عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی استخراج شدند. پس از چرخش عاملی به روش واریماکس، متغیرهای مربوط به عوامل مؤثر بر رفاه اجتماعی در شش عامل طبقه‌بندی شدند. عامل اول با عنوان «توانمندسازی اقتصادی و بازتوزیع درآمد» با مقدار ویژه ۶/۳۴ بیش از ۱۴/۴۶ درصد، عامل دوم با عنوان «توانمندسازی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی» با مقدار ویژه ۵/۵۹ در مجموع ۱۲/۷۱ درصد، عامل سوم با عنوان «توانمندسازی روان‌شناختی و تقویت خلاقیت» با مقدار ویژه ۵/۳۹ در مجموع ۱۲/۲۶ درصد، عامل چهارم با عنوان «توانمندسازی محیطی» با مقدار ویژه ۴/۳۸ در مجموع ۹/۹۷

درصد، عامل پنجم با عنوان «تقویت مشارکت اجتماعی و ارائه خدمات ترویجی» با مقدار ویژه ۴/۲۶ در مجموع ۹/۶۸ درصد و عامل ششم با عنوان «نهادسازی و ارتقای پذیرش اجتماعی» با مقدار ویژه ۴/۱۳، در مجموع ۹/۳۹ درصد از کل واریانس را تبیین کردند. در این میان، عامل «توانمندسازی اقتصادی و بازتوزیع درآمد» در بالاترین رده و عامل «توانمندسازی روان‌شناختی» در پایین‌ترین رده قرار گرفتند و مقدار واریانس و واریانس جمعی تبیین‌شده از طریق این شش عامل، ۶۸/۵ برآورد شد؛ علاوه‌براین، با استناد به نتیجه پژوهش می‌توان گفت ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان مشکین‌شهر منوط به توانمندسازی اقتصادی و بازتوزیع درآمد، توانمندسازی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی، توانمندسازی روان‌شناختی و تقویت خلاقیت، توانمندسازی محیطی، تقویت مشارکت اجتماعی و ارائه خدمات ترویجی و نهادسازی و ارتقای پذیرش اجتماعی است. همچنین، یافته‌های استنباطی تحقیق نشان داد به‌جز عامل توانمندسازی روان‌شناختی، عامل توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی، محیطی، نهادسازی و تقویت مشارکت اجتماعی با ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان مشکین‌شهر رابطه معنادار دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس نتایج، افزایش درآمدهای فردی و عمومی، تقویت کارآفرینی، بهبود زیرساخت‌های فیزیکی، ارائه خدمات اقتصاد محلی، افزایش بهره‌وری کشاورزی، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، توانمندسازی اقتصادی، بازتوزیع درآمد و اشتغال، تقویت زیرساخت اقتصادی، تجمیع روستاهای پراکنده، خودمختاری، توانمندسازی اجتماعی، ارتقای امنیت اجتماعی، تقویت تعامل‌های اجتماعی، تعاون اجتماعی، ادغام اجتماعی، همبستگی اجتماعی، ارتباط‌های اجتماعی، دسترسی به خدمات اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، توانمندسازی روان‌شناختی، منزلت اجتماعی، داشتن خلاقیت، بهبود انگیزش، مسئولیت‌پذیری، کیفیت منابع آب کشاورزی، وضعیت امکانات زندگی در روستا، فاصله تا نزدیک‌ترین شهر، کیفیت منابع آب و خاک، تعلق اجتماعی، انطباق اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تقویت اعتماد اجتماعی - نهادی، ارائه خدمات ترویجی، میزان درآمد ناخالص و دسترسی به اعتبارات، وضعیت سلامت روانی، مبادله اطلاعات و دانش، تقویت تشکل‌های مردمی، وضعیت امنیت غذایی، امید به آینده، وضعیت تحصیلات و پذیرش اجتماعی، از عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی هستند که در مناطق روستایی نقش ایفا می‌کنند.

درنهایت، با استناد به نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌شود با جذاب کردن مناطق روستایی کشور از طریق کاهش فاصله‌های درآمدی و اشتغال روستایی کشور با شهرها، توسعه هدفمند فضاهای فرهنگی و آموزشی روستاها، ایجاد مراکز تفریحی، اقامتی و سیاحتی در روستاها، تأکید بر ویژگی‌های بومی، منطقه‌ای و تدوین طرح‌های مبتنی بر اجتماع محلی، استفاده از افراد بومی در طراحی، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر طرح‌های توسعه محلی، توجه به سطوح مختلف توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، اجرای طرح‌های توانمندسازی برای فقرای روستایی با استفاده از منابع مشارکتی روستاها، تعریف سازوکارهای ارتقای سرمایه اجتماع محلی برحسب ویژگی‌های بومی مناطق و...، می‌توان به ارتقای رفاه اجتماعی روستایی و پایداری روستایی یاری رساند. مطلوب است در منطقه مورد مطالعه، بحث ارتقای رفاه اجتماعی به‌عنوان غایت برنامه‌ریزی توسعه مطرح شود و «ساکنان مناطق روستایی» به‌عنوان عامل اصلی، کانون توجه برنامه‌ریزی قرار گیرند. در این برنامه‌ریزی، باید به اقشار محروم، به‌ویژه در نواحی روستایی توجه خاصی شود. بهتر است پروژه‌های متعددی برای تعریف ابعاد، تدوین شاخص‌ها، نظریه‌پردازی درباره مؤلفه‌ها، مدل‌سازی و سرانجام شاخص‌سازی رفاه اجتماعی تعریف شود و از گروه‌های توانمند پژوهشگر برای اجرای این پروژه‌ها حمایت مالی و سیاسی شود. مطلوب است بر موارد زیر نیز تأکید شود: امکانات آموزشی و فرهنگی، بهداشتی و درمانی، کشف و شناخت پتانسیل‌های ناشناخته در بخش کشاورزی و ارتباط این بخش با بخش‌های صنعت و خدمات به‌منظور ایجاد رفاه اجتماعی، تقویت امکانات زیرساختی و تأسیسات از جمله آب و برق و راه‌های ارتباطی مناسب در مناطق روستایی، تأکید بر آموزش روستاییان در زمینه افزایش مهارت‌های شغلی در بخش‌های مختلف به‌ویژه در کشاورزی و مقابله با مخاطره‌های طبیعی در مناطق روستایی.

منابع

۱. احمدوند، مصطفی، هدایتی‌نیا، سعید و خسرو عبداللهی، ۱۳۹۱، **بررسی تأثیر رفاه و سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی شهرستان بویراحمد**، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۸۹-۱۱۲.
۲. عنبری، موسی، ۱۳۸۹، **بررسی تحولات کیفیت زندگی در ایران**، مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۲، صص ۱۷۰-۱۸۰.
۳. حق‌جو، داوود، ۱۳۸۱، رفاه اجتماعی و توسعه (مروری بر کارکرد برخی نهادهای حمایتی)، فصلنامه رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال دوم، شماره ۶، صص ۷۵-۹۶.
۴. پورطاهری، مهدی، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و مهدی رحمتی، ۱۳۹۰، نقش دانش حقوقی در رفاه اجتماعی روستاییان، مطالعه موردی: دهستان میان‌کوه غربی-شهرستان پلدختر-استان لرستان، دوره ۱۶، شماره ۴۲، صص ۴۵-۶۳.
۵. ربانی، رسول، کلانتری، صمد، قاسمی، وحید، عریضی، فروغ السادات و رضا اسماعیلی، ۱۳۸۷، **بررسی رابطه رفاه اجتماعی با سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه؛ مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اصفهان**، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد بیست و نهم، شماره ۱، صص ۲۳-۴۶.
۶. رضوانی، محمدرضا و حسین منصوریان، ۱۳۸۷، سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه توسعه و روستا، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۲۶-۱.
۷. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و مرتضی توکلی، ۱۳۸۲، رفاه اجتماعی روستاییان، رویکردی شناختی در تبیین معرفت‌ها، مجله مدرس، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۶۱-۸۳.
۸. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و حمدالله سجاسی قیداری، ۱۳۸۹، توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی، انتشارات سمت، تهران.
۹. رستمعلی‌زاده، ولی‌اله و مسعود سلیمانی، ۱۳۹۰، زندگی مطلوب روستایی با تأکید بر بهزیستی اجتماع روستایی، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره سوم، شماره ۳، صص ۱۶۵-۱۸۶.
۱۰. تقوایی، علی‌اکبر و هادی محمودی‌نژاد، ۱۳۸۵، توسعه پایدار شهری و رفاه اجتماعی شهروندی، جستارهای شهرسازی، شماره‌های ۱۵ و ۱۶، صص ۳۶-۴۷.
۱۱. زاهدی اصل، محمد، ۱۳۸۱، مبانی رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۱۲. زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ۱۳۸۴، فقر روستایی، روند و اندازه‌گیری آن در ایران، رفاه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۷، صص ۲۸۸-۳۲۲.
۱۳. عینالی، جمشید، ۱۳۸۰، **ارزیابی نقش مجتمع‌های خدمات بهزیستی روستایی در توسعه روستایی (رفاه اجتماعی) مطالعه موردی: روستاهای سجاس، کرس و گرماب- شهرستان خدابنده**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۴. فیض‌زاده، علی و سعید مدنی، ۱۳۷۹، **تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی: شاخص‌شناسی برای تبیین و سنجش**، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۴۴۱-۱۴۶۴.
۱۵. محمدنژاد، حبیب و رضا محبوبی، ۱۳۹۱، **مبانی رفاه اجتماعی در اسلام، فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، سال دوم، شماره ۲، صص ۲۷۹-۲۸۹.
۱۶. میجلی، جیمز، ۱۳۷۸، رفاه اجتماعی در جهان، ترجمه محمدتقی جغتایی، دانشگاه علوم بهزیستی، تهران.
۱۷. نوری، مرضیه، ۱۳۸۰، **ارزیابی عملکرد مجتمع‌های خدمات بهزیستی روستایی در رفاه اجتماعی روستاییان**، مطالعه موردی: روستاهای کورده، امام تقی و دهستان شهرستان مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۸. هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی، ۱۳۹۰، **رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن**، مطالعه موردی: شهر تهران، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، شماره ۵، صص ۱-۲۲.
۱۹. یزدانی، فرشید، ۱۳۸۲، مفاهیم بنیادی در مباحث در رفاه اجتماعی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی.
20. Ahmadvand, M., Hedaiatnia, S. and Abdollah., Kh., 2012, **A Suervey of Welfare Impact and Social Capital on Life Quality in the Rural Areas of Bouyer Ahmad County**, Journal of Research and Planning, Vol. 2, No.5, PP. 89-112. (In Persian)
21. Anbari, M., 2009, **A Survey of Rural People Quality Changes in Iran**, Journal of Rural Development, Vol. 1, No. 2, PP. 170-180. (In Persian)

22. Burgoon, B., 2006, **On Welfare and Terror, Social Welfare Policy and Political Economy Root of Terrorism**, Sage, London.
23. Clarke, M. and Islam, S., 2009, **Economic Growth and Social Wellbeing: Operationalizing Normative Social Choice Theory**, North Holland, Amsterdam.
24. Clarke, M. and Sardar, I., 2002, **The Relationship between Economic Development and Social Welfare: A New Adjusted GDP Measure of Welfare**, Social Research Indicators, Vol. 10, No. 8, PP. 51-65.
25. Einali, J., 2004, **Assessmet of the Role of Rural Well-being Services Complexes on Rural Development (Social Welfare), Case Study: The Rural of Sojas, Kars and Garmab, Khodabandeh County**, M.S Thesis of Geography and Rural Planning, Tarbiat Modares University, Tehran. *(In Persian)*
26. Estovan, P., 1984, **Social Psychology**, Tranaslated by: Kardan, A. M., Tehran University, Tehran. *(In Persian)*
27. Fitzpatrick, T., 1993, **Welfare Theory an Introduction**, Manchester University Press, Manchester.
28. Fizzadhe, A. and Madani, S., 2003, **Social Supply and Social Welfare: The Recognition of Index for Explanatation and Measurement**, Journal of Social Supply, Vol. 2, No. 4, PP. 1441-1464. *(In Persian)*
29. Greg, M., 2006, **Critical Social Policy**, Published by Sage, London.
30. Haghjou, D., 2003, **Social Welfare and Development (A Review on Functions of some of Supportive Institutions)**, Journal of Social Welfare, Vol. 2, No. 6, PP. 75-96. *(In Persian)*
31. Hewstone, B. and strobe, w., 2001, **Introduction to Social Psychology**, 3rd edition, Black Well Publishers, New York: Cambridge University Press.
32. Hezarjaribi, J. and Safarishali, R., 2010, **Social Welfare and Its Affecting Factors, Case Study: Tehran City**, Journal Research and Urban Planning, Vol. 2, No. 5, PP. 1-22. *(In Persian)*
33. Li, y., et al., 2002, **Dynamics of Social Capital**, Sociological Research, Vol. 7, No. 3, PP. 35-54.
34. Midgely, J., 2000, **Context of Welfare Theory: A Develop Mentalist in Perpetration**, Center for Social Development. *(In Persian)*
35. Mohamadnejad, H. and Mahbobi, R., 2011, **The Principles of Social Welfare in Islam**, Culture in Azad University, Vol. 2, No. 2, PP. 126-151. *(In Persian)*
36. Mon, A. H. B., 2008, **The Interplay between Social Welfare and Competitiveness: The Case of Canadian Medicare**, Geoforum, Vol. 1, No. 2, PP. 42- 68.
37. Moore, S., 2002, **Social Welfare Alive**, 3rd Edition, University of Chicago.
38. Nouri, M., 2005, **Assessmet of Performance of Rural Well-being Services Complexes on Rural Peoples Social Welfare, Case study: Emam Tagi and Dehestan of the Mashhad County**, M.S Thesis of Master of Geography and Rural Planning, Tarbiat Modares University, Tehran. *(In Persian)*
39. Orbell, J. M. and Dawes, R. M., 2005, **Social Welfare, Co-operators Advantage, and the Option of not Playing the Game**, American Sociological Review, Vol. 5, No. 8, PP. 54-56.
40. Portes, A., 2001, **Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology**, Annual Review of Sociology, Vol. 2, No. 4, PP. 1-24.
41. Pourtaheri, M., Rokanaldin Eftekhari, A. and Rahmati, M., 2011, **Role of Civil Knowledge on Social Welfare of Rural People, Dehestane Miankouhe Gharbai, Poldokhtar County, Lorestan Province**, Journal of Geography and Planning, Vol. 16, No. 42, PP. 45-63. *(In Persian)*
42. Rabbani, R., et al., 2010, **Survey of Social Welfare Relation with Social Capital on the Development Process, Case Study: The Counties of Isfahan Province**, Journal of Esfahan Research, Vol. 1, No. 29, PP. 23-46. *(In Persian)*
43. Ramsey, D. and Smit, B., 2007, **Rural Community Well-being: Models and Application to Changes in the Tobacco-belt in Ontario**, Geoforum, Vol. 6, No. 33, PP. 367-370.
44. Raphael, D., et al., 2001, **Making the Links between Community Structure and Individual Well-being: Community Quality of Life in Riverdale**, Health & Place, Vol. 4, No. 7, PP. 179-196.
45. Rezvani, M. R. and Mansoreian, H., 2009, **Measurement of Life Quality, Survey of Concepts, Indexes, Models and Representation of Suggested Models for Rural Areas**, Journal of Rural and Development, Vol. 3, No.11, PP. 1-26. *(In Persian)*
46. Roknaldin Eftekhari, A., Sojasei Ghidari, A., 2008, **Rural Development with Emphasizing on Entrepreneurship**, Samt, Tehran. *(In Persian)*

47. Roknedin, E. A. and Tavakoli, M., 2004, **Socail Welfare of Rural People, An Approach for Explanation of Indicators**, Journal of Modares, Vol. 2, No. 7, PP. 61-83. *(In Persian)*
48. Rostamali, V. and Saliari, M., 2011, **Suitable Life of Rural People with Emphasizing on Well-being of Rural Community**, Journal of Economic Policies, Vol. 3, No. 2, PP. 185-186. *(In Persian)*
49. Schmitt R. B., 2007, **Considering Social Cohesion in Quality of Life Assessments: Concepts and Measurement**, Social Indicators Research, Vol. 13, No. 58, PP. 403-428.
50. Shortall, S., 2008, **Are Rural Development programmed Socially Inclusive? Social Inclusion, Civic Engagement, Participation, and Social Capital: Exploring the Differences**, Journal of Rural Studies, Vol. 12, No. 3, PP. 450-466.
51. Taghvaei, A. and Mahmmoudinejad, H., 2008, **Urban Sustainable Development and Social Welfare of Civic**, Journal of Urban Building Queries, Vol. 15, No. 16, PP. 36-47. *(In Persian)*
52. Vouvaki, D. and Anastasios X., 2008, **Changes in Social Welfare and Sustainability: Theoretical Issues and Empirical Evidence**, Ecological Economics, Vol. 4, No. 5, PP. 55-72.
53. Wee, H., 2008, **Quality of Life Assessment: Is Quality of Place an Appropriate Proxy?** Proceedings of the Second International Conference on Quality of Life, National University of Singapore, Vol. 4, No. 5, PP. 99-115.
54. Werner, H., 2000, **Analysis of Sustainable Development and Social Welfare, Switzerland**, Ecological Economics, Vol. 5, No. 32, PP. 481-483.
55. Yazdai, F., 2005, **Fundamental Concepts of Social Welfare**, Well-being Science University, Tehran. *(In Persian)*
56. Zahedi-Asl, M., 2002, **Principles of Social Welfare**, Allameh Tababaei, Tehran. *(In Persian)*
57. Zahedi, M, J., 2004, **Rural Poverty, Trend and Measurement of Rural Poverty in Iran**, Journal of Social Welfare, Vol. 4, No. 17, PP. 289-326. *(In Persian)*
58. Zahedi, M, J., 2004, **The Power of Household's Savings of Rural Peoples and Its Effects on Rural Peoples Participation in Development Process**, Journal of Agriculture Economy and development, Vol. 13, No. 14, PP. 145-159. *(In Persian)*

Archive of SID